

صاحب امتیاز  
و مدیر مسئول  
دکتر اسمعیل  
اردلان.

ناشر  
مفصلی

# کوشان

بهیچ حزب  
دسته یا جمعیتی  
بستگی ندارد

تک شماره ۴۰۰ ریال

۲ شنبه ۲۲ مرداد ماه ۱۳۲۴

سال اول - شماره ۲۰۵

## آقای سر لشکر جهانبانی حقیقت را در این چند نکته جستجو کنید

در کردستان برای فرمانده لشکر آتجا «صلاح شمس» بوده اند این دو او را برخصی بطهران فرستاده است.  
در منطقه ستر و باه حلیات صالح سلطانیان. احمد حریری و ملحه و پس که خود را در حمایت فرمانده لشکر میانه باهت باس و نامیدی مردم میانه.

شهرت دارد سرهنگ ۲ پاینده که منسوب سرهنگ با پندار فرمانده سابق تپ ستر است و بنام با زوسی مقام وظیفه بآن منطقه رفته - حلیاتش موجب عدم وضایت مردم است و میگوید مشارالیه ماحوریت دارد کارهای سابق سرهنگ با پندار را ماست مالی کنه.  
ولی اگر کلبه حلیات مشارالیه تحقیق شود مورت فروش فنام جاف - مبلغ پنجاه هزار تومان پول خصل و هشت هزار تومان روشن و امثال آن اغلب من القس است و عادی ترین فرد ستر از آن اطلاع دارد

آقای سر لشکر جهانبانی میتواند استفسار کند که عایدی املاک بی صاحب مناطق سرشیو - خورخوره - و گورک ستر که در حدود پنجاه پارچه آبادی است و باید بفرزانه دولت عاید گردد بیب چه کسی میرود

### در خورخوره و تیلکوه

بشکایات روسای ایل تیلکوه که در تهران سر کرده اند باید رسیدگی شود و معلوم گردد چرا اینها که بصدیق ستاد ارتش از خدمتگذاران دولت هستند باید برای عرض شکایات خود کردستان را رها کرده بطهران بیایند چه علت دارد که بشکایات آنان در محل رسیدگی نمی شود

### در هریوان و اورامان

آقای سر لشکر جهانبانی باید با کمال بی نظری اوضاع این نواحی را تحقیق نمایند که آیا واقعا علت این اردو کشی خلع سلاح بوده یا نخره حساب ایشان باید علت واقعی حمله مسعودگان سانانی پادگان هریوان را روشن کنند که چه باعث شده شمس را که ستاد ارتش فرمانده لشکر کردستان هست از خدمتگذاران واقعی دولت معرفی میکرده بگمرت و بدون مقدمه دست به چنین عملی زده است. زیرا میثومیم که میگویند موضوع چهل بار قاجان در بین بوده است.

### در سنندج

آقای سر لشکر جهانبانی باید تحقیق نمایند اینکه شهرت داود فرمانده لشکر آتجا در تشکیل داده و دست به بهایی در داخل پنجاه در منطقه

نثار هستند که از ترس بدون اجازه اسمعیل نواد کوچکترین عملی را نمیتوانند انجام دهند، مشارالیه بانگناه لطف و مرحمت فرمانده لشکر کردستان مردم را تهدید می نماید.

سوء استفاده هایی که در قسمت تپه احتیاجات پادگان از قبیل گندم و جو و کاه گوشت و غیره شده منوط به است جدا کالای دارد. در نتیجه شکایات مردم فرمانده تپه ستر چندی قبل مشارالیه و از سردشت خارج نموده ولی اخیراً مجدداً مراجعت و به کارهای سابق خود مشغول می باشد.

### در ستر و باه

مردم از حلیات سرهنگ ماسمی فرمانده تپه آتجا مکرر اظهار رضایت و خوشوقتی کرده اند و برقرار اطلاع و امله اخیراً مشارالیه بنام مرخصی میر کز آمد و بجای او سرهنگ مختاری که متورر اهالی باه است احرام گردیده

### موافقت با مرخصی آقای سرهنگ

ماسمی مفصلاً در این موقع که آقای سر لشکر جهانبانی در کردستان هستند و همین جانشینی مانده آقای سرهنگ مختاری با مناسبات خلیا، تردیش با فرمانده لشکر عادی و ساده بنظر نبرسد جز این که تصور شود خواهسته اند ایشان را از این منطقه موقتاً دور کنند که مچ شان باز نشود بجز دیگر نمیتوان پناه داشت ستاد ارتش یا آقای سر لشکر جهانبانی اگر در چگونگی این مرخصی مشکوک تحقیقاتی بنسبانه شاید طلبی میانند که در بسیاری از مسائل آنها و اراضی کنه زیرا اگر خوانده گل بطاظر داهت باشند از دو ماه قبل ما نوشتیم که فرمانده لشکر کردستان در کارهای فرمانده تپه ستر کار شکنی میکند بنا بر این طبیعی است که چنین عملی وجود سرهنگ ماسمی

اگرچه دو علت از ورود آقای سر لشکر جهانبانی بکردستان میگردد ولی اطلاعات صحیح و واقعی از اقدامات ایشان تاکنون بازرسیده که امروز بنظر خوانندگان برسانیم زیرا پست کردستان خیلی دیر میرسد و گذارشهای تلگرافی واصله منقطع با زدیهای ایشان را از اردوهای هریوان و اورامان و مسافرت بستر و باه و سردشت اطلاع داده اند.

بطوریکه اطلاع میبندد دولت مستجد شکایات کثیری زیادی از طرف اهالی باهشان تسلیم شده ولی معلوم نیست دو نواحی دیگر هم خوانته باشند شکایات خود را بطالع ایشان برسانند.

در حال ما لازم میدانیم نکات چند را در اینجا تذکر داده، ستاد لشکر و آقای سر لشکر جهانبانی را منوجه سازیم که وقت و تحقیق در مطالب قبل از ضرورت میباید

### در سردشت

مردم از حلیات سرهنگ جوانشیر فرمانده پادگان آتجا که گویا اخیراً تغییر مأموریت یافته بسیار ناراضی هستند زیرا مشارالیه بهدستی حسن اسمعیل زیاد بجان مردم افتاده و طبق شکایات منتهدی که با مضای مالکین و اشخاص سر سرده آتجا بار رسیده بنا بر این مسئله اخاذی نموده کلاههای عجیب و غریب برای مردم ساخته بنوان قاجان، بنوان جریمه، بنوان هردو و سرور بدون اجازه دولت و امثال آن پولها گرفته اند و حتی کار بجائی رسیده که دخترهای مردم را در قبال هشتاد و سه دینار عراقی بر اقیهانه رفته اند بدون اینکه کوچکترین اهیتی بهم رضایت والدین آنها میدهند.

مردم سردشت چنان نعت تهدید و

پلم آقای ت. امینیان

### صراحت لجه و شہامت بیان

یکی از صفات بارزه و سجاوای فاضله که قرنها است سر دستور و مقدمه احکام اینپناه و فلاسه و حکما قرار گرفته است صراحت لجه و شہامت بیان میباشد این کلمات از سرچشمه فضائل منوی و علو طبع و سناعت روح آبیاری شده و غالب صفات عالیہ انسانی را نیز از فیض خود شاداب و مرسبز نگهبانان بدبفشانہ سیر قہرانی زمان و مقتضیات خادغانہ و پیشرفت مدبوحنہ دنیای مادی پرده نازکی از استار و سووری بر روی این خلعت کشیدہ و تابش حقایق این مٹی را در زیر بر مقلد و تیرہ سیاست اجتناسی قرار داد.

صراحت لجه و شہامت بیان درازمہ سابق سپری بودہ کہ همیشه در وقایع و حوادث مانع و رادع اجرای ردایل و قنایع میشدند مخصوصا در مبارزه با سوہ نظام و سوہ ظن کہ یکی از اغراض مکتوبی بشر بودہ و مخرب بنیان بشر دوستیها و عائد تصورات سوہ بن خانوادہ، رفیق، همکار مادی و مالموق حتی زن و شوهر میباشند جلو گیری و دل بزرگی را در مقابل قضاوت و وجدان بازی میکرد و در هر کجہ پیش آمد مورد سوہ نظام طرف ذبحق بنا صراحت لجه موضوع متناظر را در میان نہادہ و در اطراف آن بازرسی و تحقیق مینمودہ در صورت تمعیر طرف اغلب بہ گناہ خود اعتراف یا اینکه سوہ نظام واردہ را با منطق و برهان رد و بمال معاف و مودت رجعت میکردند و بیشتر مواقع ہم مضر در معاشکات خصوصی معکوم و لحن و بیان لو حاکی از ارتکاب تقصیر بودہ در این صورت مدعی با زہم با صراحت لجه و شہامت

درستی با انس و الفت با اشساب اورا یکی کیخته و آرا او دوری و کنارہ میگرفت همچنانکہ در بالا اشارہ شد این حس شریف صراحت و صداقت بیان چون صدعا فضایل دیگر در امانت تیرہ سایر مفاسد و معایب اجتناسی فرورفت و اکنون بہ صراحتی در میان است و نہ باشہامت بیان رفع تکدر و کینہ حاصلہ از سوہ نظام و احساسات باطلہ پس میآید بافتن این خصایص با بن تشبیہ رسیدیم کہ روح توافق و بکنایگی از میان کلیہ طغیانات ما رخت بر بستہ و فوطلب، متجانس و موافق را کمتر میتوان بین دو نفر در بین یک نامیل یا محیط و اعضاء یک ادارہ حتی مجلس موثقی انس و مودت میتوانیم یافت بخصوص قندان صراحت لجه در مقامات عالیہ و دو ایر دولتی ما سبب شدہ کہ عاملین و متصدیان کسان حق نودہ و بنا بتوصیہ و امر ارباب خواہش و علاج کسی را بر مستہ غیر فرار خود حال خود بشناسند و حقوقی چہ اشخاص را با بنال با در حقوق و اموال دولتی تمیز و تفاوت بعمل آورند همچنین هزاران مثال در این مورد داریم کہ ہم ناشی از بودن صراحت لجه و شہامت بیان است کہ عادت و واقع میشوند دست آخر همین احساسات یک نفرت و بدبینی بین دولت و ملت تولید میشاید و این دو طبقہ کہ از یک خون و نژاد و یک پوست بودہ و اعضاء عامہ یک یک خانوادہ هستند بین خود تمایز و تفاوتی قائل شوند.

همین درایت و اختلاف باعث بهم خوردن وحدت ملی و استقلال قومی، ما میگردد این ہمہ نشئت و ناجوری کہ اکنون

### شوخی است یا جدی؟

#### حزب ساطور ۱۱

ہمہ چیز شنیدہ بودیم اما حزب ساطور تشنیدہ بودیم از فرار اعلامی سہ و سیدہ از چندی پیش در کبیر مقدمات تشکیل حزبی تهیه دیدہ شدہ و تحت سرپرستی لیدر قضایی (کہ ساطور نشان علاقہ را بہ این کار است) فعلا حزبی بطور نیم محرمانہ تدارک و اعضاء جدی ہم دارد مراسم سوگند در مقابل یک ساطور و یک قرآن بعمل میآید و اعضاء بہ شرافت ۱۱ سوگند یاد می کنند برام آنونہ داوا داشته این حزب تقسیم دارد در احتیاجات آہندہ کردستان دو کرسی نایبگی بہ دو نفر از کار مندان خود اختصاص دہد

دو بین ما حکمرانست ہمہ زادہ یک جملہ و دو گلہ میباشند آنہم عدم صراحت لجه و شہامت بیان است اگر مختصری تمیق و تفکر نایب قندان این خلعت یک خسارت جبران ناپذیری بحوالہ منوی و اخلاقی ما وارد آورده کہ با وضیعت حاضر اضطراب اخلاقی و مفاسد اجتناسی ترمیم آن ممکن و میسر نشود با پیشی بگر صحیح و اساسی تری برای بازگشت و رجعت این خصائل بود آنہم امکان نی۔ پذیرد مگر از طریق بسط فرهنگ و نشر دانش

### ادارہ کل گمرک توجہ کند

#### شکایت از تیریز

ادارہ کل گمرک و روبرت، وزارت دارایی ۰۰۰۰ زو نوشت کوهستان - کلای قماش فدویان اغوان ابریشچی بازار کل سقزی بعنوان مال محمد رشید مدت یازدہ ماہ است بر خلاف قانون از طرف ستاد لشکر ۳ تونف بسبب عدم تسلق آن بحد رشید معرڑ سروان و خشوری رامید حق مستحق پروندہ را بہ گمرک آذربایجان احالہ ادارہ نامبردہ با وجود ملاحظہ پروانہ های گمرکی و نبودن هیچگونه تیرینہ ای بہ نایب بودن کالا بنظور خامی در عدد حمل کالا و اخذ جریہ است طبق مادہ ۱۷ قانون قاچاق اہرام مامور مخصوص و واقعات در دفع ظلم و رسیدگی مورد استدہاست.

آوازہ شہرت این حزب قوی ۱۱ در مستحج پیچیدہ و کار مندان سادہ لوح آن بہ وضویت خود اختتامی کنند.

ولی ما این شایہ را شوخی و مسخرہ پنداشتہ بہ حزب ساطور و ساطور زن و ساطور بر با تسخر می نگریم.

از خوانندہ گانی کہ کم و بیش از این سازمان اطلاع دارند تقاضا میشود اطلاعات خود را با بنویسند اگر چہ میدانیم سانسور شدہ بہت خانہ ممکن است مانع از رسیدن کالذ باشد

## وقایع آزارات

۱۱-

بنا بر این فرماندہی کرد برای رسیدن بہدفع لہالی خود تودہ دادن تشکیلات خوبی بون در کردستان و فراہم آوردن مقدمات قیام عمومی و ضروری میدانست لذا ناچار میبایست بوسیلہ دستہ های جان بیزار - مرتبا نواحی مختلفہ خاک ترکیہ را تہدید کند

دست جانی کہ بداخل ترکیہ اہرام میشدند نگرانان کم و ندر تاکاہی بعد نظر میرسیدہ در نقاط خیلی دور از آزارات این وظایف بہمدستہ های محلی واکدار شدہ بود و بہ ن ترتیب حاکمیت ترکہ نہ تنها در نزدیکی های آزارات بلکہ در تمام کردستان ترکیہ دو آتش طغیان اکراد میسوخت ولی مرکز این آتش فشاںہا آزارات بود

آزاراتہا عمدہ کمی داشتہ زیرا خاک آرا رات از حیث آذوقہ استمداد نگہداری قوای زیادہ داشت و با همین عمدہ کم در جلو قشون مستقم دولت جمہوری ترکیہ سینہ را سہر بلای تمام کردستان نودہ وظیفہ دشوار و سنگین دماضہ آزادی کردہ را بھدہ گرفتہ و با محسرومیت های زیاد دست بگریبان بودہ و وجودشان ہمیشہ در زحمت و در خطر بزرگ ولی روحشان در زیر پرچم ملی خود پر زدن و نشاط بود.

زندگی در آزارات خیلی طبیعی تفریح و سرگرمی آزاراتہا اسب دوایی و تیرہ از بیوفولی و تہاہر برای تخریب بلکہ در جنگ ہم کثر مسلسل

ہارا بکار میردند زیرا از حیث فنشک دوتنگنا بودند. چیزی کہ در آزارات راہ نہادت ترس، یاس و نا امیدی بود.

بہ از واقصہ «کالی کورک» قوت قلب و اطمینان آزاراتہا زیادتر شدہ بود و معطش بودند کہ قشون ترک با یک سپاہم جہرت حہ عمومی بہ آزارات را نخواستہ داشت

شیخ عبدالقادر ایل خود را ہمراہ و بکرہ آلا داغ حرکت کرد آزاراتہا جبل نہ داشتند کہ شیخ با دولت مناسبات حسنه داشتہ و در گوشہ ای از آزارات ہم اقامت گرفتہ

دوایل «حہ صوری و غوطان» کہ مطیع دولت ترکیہ بودند در نزدیکی «قرل دژ» (مرکز گمرک ایران و ترکیہ) راہ را بر شیخ بہد۔ القادر گرفتند قلا روسای این دوایل حکومت با بیزید مذاکراتی نودہ بودہ و دولت با این اقدام آنان موافقت کردہ بود زیرا حکومت جبل داشت میان ایلات کرد ہدایتی بوجود آید کہ منجر بزد و خورد گردد و گمان میکرد ان زد و خوردہا باعث دودستگی و ہدایتی در میان - منسوبان این ایلات کہ در بین ملیون در خاک آزارات هستند خواہد گرہید .

بنا بر این روی این خیال و با امید اینکه آتش فلان و غلوزیری دو آزارات در میان مردمی کہ در زیر پرچم کردستان آزاد زندگی کرده کبر با آزادی کردستان بستہ بودند مشتعل شود موافقت کردہ بود عامل از این کہ میان اشخاصی کہ در راہ استرداد آزادی و تائین وحدت ملی جان خود را بدون مضایقہ تقدیم میدارند هیچ قومہای نمیتواند لغتی بوجود آورد خصوصا حادثہای مانند حادثہ شیخ عبدالقادر ۱۱

# باید بگرمانشاه توجهداشت

اقرار اطلاعی که از کرمانشاه رسیده بین حوائین کلهر که کدورت هائی پیش آمده که به دودستگی منجر و وضع اسف آوری پیش آورده اگر اولیای دولت زودتر رسیدگی و توجیه نشایند ممکن است هوابردی در برداشته و خدای نکرده در اینجا هم برادر کشی بفرود بیونند.

تلگراف مفصلی که در این هفته رسیده و با مضامین صده زیادی از خوانین، مالکین، دهقان و غیره میباشد عینا درج میگردد و مایهون هنوز اطلاع دقیقی بدست نیآورده ایم نمیتوانیم اظهار نظر قطعی نموده ولی باید این نکته را تذکره کردیم که لازم است دولت واجیع بوضع مورد شکایت مضامین کلهر توجیه و رسیدگی نماید و از بروز هرگونه اختلاف پاروشی سالانه و متن جانو گیری بجل آورد.

اینکه عین تلگراف رسیده از کرمانشاه:

کذب محض است و خوب است خواننده کلهر محترم به هیئت دولت و نماینده کلهر محترم مجلس به شایعات ۲۰۳۲ و ۲۰۳۳ و روزنامه کرمانشاه که از طرف خوانین محترم حاج زاده کلهر مانکن صده املاک کلهر و آقابان سر پرستان ایل و خانوارهای کلهر مراجعه در این خصوص قضاوت فرمایند خلاصه این مولا و بزرگوار چرچند نفری از طبایه عبدالحمیدی که ادعی عیالی آقا میباشند بنام بهمن حشمتی و میره بیگ اسفندی باری و غیره که سارتین مسلح ماشینهای کلبانی در دستکاب کلهر بنا بر تاریخ ۲۳/۸/۱۹۲۳ که پرونده امر در ستاد تیپ ۱۲ و زاده امری و تمام ادارات ذیصلاحیت منسک و الساعه زندانی میباشد متاسفانه ایل و قبایله دیگری ندارد که حکومت خود سری را بر آنان تحویل فرماید.

۳- قسمت چالاب توجیه و خوش مزه که روی سادگی و بلندی فکر

هیست منته کرده و واقع جرم خود را تایید و بریش مردم میخندند که تا کتون احدی بی باین موضوع نبرده بلکه در موقع اظهار هیئت حق مظلومیت بایشان میدهند فرمایش دمای آقای قبادیان مبنی بر چهارده سال جیس است بله دوست و بیجاست که این آقا مولای معظم ۱۴ سال زندانی بوده ولی در این مدت کسی بوده که شوال فرماید آقای قبادیان علت حبس شما چه بوده بله قطعاً خواهند فرمود حکومت دیکتاتوری اعلیحضرت فقید شاه سابق در صورتیکه این فرمایش کاملاً صحیح و عقرون بحساب نیست زیرا اگر از تمام سیاست مداران کشور سؤال شود بطور قطع و یقین بطوریکه تا بحال کرار گفته اند و خواهند فرمود از ابتداء سلطنت تا چند سال اعلیحضرت فقید شاه سابق منظور و مصودشان ترقی و تعالی پیشرفت کشور بوده روی این اصل آقای عباس خان قبادیان که یکی از خود سرها و علم طبیان را بر علیه حکومت مشروطه برافراشته بود در نتیجه عمل زشت و ناپسند قتل و غارتگری منواری بحد عراق که بملت مکاتبات دولت از طرف کشور عراق بوسیله شرطه ها خارج و از طریق قتلان بشار باغی بیرون ملحق و مدنی با آنها با نیروی تحت اختیار تیسار سبجه شاه بغنی برود خورد مشغول و در نتیجه سرگومی انهدام باغیان نامبرده دستگیر و تحت الحفظ ایشانرا بر مرکز اعزام و بفرمان اعلیحضرت شاه فقید زندانی رئیس اوجندی چون بستگان و اخوانش دست از پشاکگری برنداشتند دستور کوچانیدن آنان هم صادر و بوقع اجرا گذارده شد تا واقعاً شهر یور ۲۰۳۲ این است عدل شریف ایشان حال اگر آقایان هیئت محترم وزراء و نمایندگان مجلس و مدیران محترم بجهت قدری بیشتر فوروسی فرمایند ملاحظه خواهند فرمود چگونه کسی که بر طبق حکومت مشروطه قیام نموده بر طبق قانون اساسی معروف از وکالت است (اکنون در پارلمان کبیر این کشور نماینده رسمی و با نفوذ و وکالت دست طمع و زورگویی اخوانش برای مال جان ناموس مردم دراز است) این است قانون اساسی این است وضع این کشور با تقدیم احترامات فائمه الیه بدقیقه شرح مفصل حال زندگی آقای نماینده محترم و فامیل و مطبش را بر عرض خواهیم رسانید

قاسم اعظمی رئیس و سرپرست ایل کاپر عبدالله خان رضائی رئیس طایفه قوچی حسین شاهی رئیس طایفه قوچی - جیبا بخش قوچی طایفه قوچی الهی مهربان رضائی رئیس طایفه سهرابی سید مراد صیادبان رئیس طایفه مهابدان محمد تپی منوچهری منوچهر منوچهری نماینده رهبایی ۱۴ آبادی شیانی و ۱۱ آبادی قلعه شاهین و ذهاب و ماهیدشت غلام منوچهری علی اشرف منوچهری دکتر حسین علی منوچهری امین الله ناسری رئیس ایل منصور شیر محمد باوری رئیس طایفه شان آغا جان شیرزادی رئیس طایفه شیر که صفر کیایی رئیس طایفه بیرگه درویش رشید پور رئیس طایفه رشید قلی تپه روی رئیس طایفه زرکوشی دلجان اردشیری رئیس طایفه دونوله امین اکبر شان عزیز باوری خان آقا سلیمی دهقان دار سید منصور علی بابا سفیری دهابانگان منوری حسین محمدی دهقان پشه کبود منصور علی خان بابا محمدی دهقان میان چناتمنوری امین نجفی دهقان پدر کرد منصور علی اکبر رشیدی دهقان زهران منصور سید محمد احمدی دهقان میان تنک منصور محمد قلی عباس دهقان چیکان منصور غلامشاه منصور دهقان سیاه پله علی منصور ابراهیم سلیمی دهقان سکرسو راخ منصور ابراهیم شریفی دهقان باندر منصور غلامجان شهبازی دهقان میان پله سلیمی منوری فرامرز

پته در صفحه ۹

جناب آقای نخست وزیر کیه جناب آقای پدر وزارت دارالسی کیه جناب آقای سیدشاه الهین مطاطی کیه آقای دکتر مصدق کیه جناب آقای ساسان کیه جناب آقای دکتر معاون کیه جناب آقای دکتر زنگنه کیه آقای مدیر محترم روزنامه یا شمل کیه آقای مدیر محترم روزنامه اطلاعات کیه آقای مدیر محترم روزنامه ستاره کیه آقای مدیر روزنامه رعد کیه آقای مدیر روزنامه آشت کیه آقای مدیر محترم روزنامه کوهستان کیه آقای مدیر محترم روزنامه مرد امروز کیه آقای مدیر روزنامه نبرد - قابل توجه هیئت و نمایندگان محترم دولت و مدیران محترم جرائد کشور معترماً از قطع نظر زورگویی قدری اخوان آقای قبادیان ساینده مجلس شورای ملی ما اینجا بیان امضاء کنندگان زیر فا کریم برای روشن نمودن اذعان عمومی و انتحار خاطر مقامات عالیه سابق امر بشرح زیر بر عرض برسانیم آقای عباس قبادیان ساینده مجلس که نماینده فرستادن دستور ات معر سانه مستقیم باخوان و بستگان خود میخواهند عبد قسمت نهی کردستان را در صفحه ایل و عشایر کلهر بمنضمه ظهور برساند تا کریم این آقا مولا را رسماً معرفی و پیشینه مشتمع او را با اطلاع عامه برسانیم.

۱- جناب آقای قبادیان روی کتورت معلومات و گذرانیدن دوره دکتر اداریست خدای تعالی هر وقت بخواهند فرمایشی در مجلس فرمایند چند روز قبل بهر طریق که شده یکی از رفقایش (سوزده) در موضوع بیان خود در مجلس اخذ سیس روز بعد با کسب اجازه پشت تریون تشریف فرما و همان سوزده را (طلو طی صفت) فرات هتتی اولش انتشار (۱۴) سال حبس و اتهامش داشتن ریاست بابل کلهر و فرمانفرمایی متعلقه غرب را برخ آقایان مجلسیان میکند سپس ناطق بیان را دامن داده با ملاکسر ناسری فریش سوخ و از هر کوه تو کتار در این باب بیاناتی میفرماید بی جانیه ایم که سخایق امر (و این فلورا) روشن نسایم

۲- آخر نماینده تاکسی و تاکجا آقایان وزراء ساینده کلهر محترم مجلس و مدیران محترم جرائد میخواهند چشم پوشی

و حق دولت و ملت و يك مت زارع و مالك بیچاره و بد بخت را با پناز و دستخوش هوا هوس خود فرار دهند آقایان محترم این که آقای قبادیان میفرمایند املاک من کدام املاک و ذرا محترم و نمایندگان محترم مجلس مدیران محترم جراید املاک حوزه کلهر بر سه نوع است اول املاک آقابان خوانین محترم حاجی زاده کلهر که بر که تمام آنها دارای توشیحان و قبایلیات محکم با بر حاکمی است که در حدود و ریاست گسری سال است مالك و متصرف میباشد دوم املاک آقابان پالیزی هاست که در قبایل اغلبها با سلطان حضرت فقید شاه سابق فروخته اند که حال از طرف املاک و اعدا ری بخود پناز برها اجازه داده شده که آنها نیز در متی بخود آقای قبادیان در ظاهر با خوانین شاه مباشرت و ا کدار که آنها وضیت ضبط عمل زجر و شکنجه غارتگری آنان نسبت بزار زمین بدبخت در سال گذشته و حالیه اظهار من الشمس است منتهی دادوسی که گوش ضیغه و ناله آنان بدهد نیست سوم خورده سالکین کلهر که عبارت از روت محرم اعظمی و آقایان حاجی زاده کلهر مالك و متصرف میباشد له صحیح است که هر چو نمودن خان جد آقای عباس قبادیان ساینده فعلی مجلس قسمت دوزواره کوه دوسر خوب دو کپل را متصرف بود که آنها نیز خریه آری و با متفق بدیگران است (له اعلم و خوب است شایعات ۲۰۱۶ ۲۰۱۷ ۲۰۱۸ ۲۰۱۹ جریه محترم کرمانشاه رجوع فرمایند حرف در اینجا است که تازه این مختصر ملک (ذواره کوه) و دوسه خوب از کلهر با آقای عباس معظیر بابا بران مرحوم دادود که عبارت از کریم خان و علامه شاهان دادریان و مرحوم سلیمان خان است که بدستور همین آقای قبادیان بدست پاشا برادرش متول گردید و فامیلهان پسر دادوتان است که فعلاً ما کین و ذیق روی ترس از آدم کشی آقایان قبادیان قدرت تصرف را نداشته و در دانهایی میباشد و من غیر حق متصرف شده اند

۲ و اما راجع به ایل و قبایله چند هزار هری کلهر های قبادیان میفرمایند فرمائی و حکومت مطلق دارنده و هراتایه بر خ مقامات ... داخلی میکشند خلاف و



## کرد و کردستان

سه اردلان

## «حکومت خضر یک نالی اردلان»

پس از فوت الیاس یک پسرش خضر یک دوم در تاریخ ۷۱۰ هجری برمنه حکمرانی جلوس نمود شخص خوش نیت و ساده دودارش مسلک بوده است بیشتر اوقات خود را در صحبت طباطبائی و صلحاء بسر برده و در عبادت و نماز و روزه استراحت داشته و امالی بظلم مردم آزاری نبوده است. حتی از گرفتن مالیات هم خودداری داشته و بنابرین سه تنه مالیاتها را بخود رعایا میبخشید و فقط بهین قانع بوده که در قلمروای نظمی رخ ندهد. دولت هسانی شهرت زهد و برهیز کاری او را شنیده لشکری بجای قلمرو او عزام میدارد و دستور تعطیلی بنگاه او میدهد.

خضر یک برای اینکه جنبه بخور بربری نکند قسمتی از کشور خود را که عبارت از شهر بلاز - واریل - و گوی - و حریر - و هاده - و رواندل - و حدود هرمی کردستان باشد برای بنگاه تقدیم دولت علیه نموده. و فقط بستمرفات شرق و جنوب غناقت کرده است. پس از (۳۶) سال حکومت رخت رحلت به سرای آخرت برست است.

## «حکومت امیر حسن اردلان»

امیر حسن پسر خضر یک در تاریخ ۷۴۶ هجری برمنه امارت متکثر میشود. حکمرانی لیکونهاد و امیری پاکیزه صفات بوده. در شجاعت و رشادت مشهور بود در عظمت و عدالت معروف بود و دور بوده است. برای امور لشکری و کشوری قانونی بنیادهای که هر کس وظیفه و حدود خود را بداند. از جوانان رشید کشور هم نظامی مرکب از سه هزار نفر برای حفظ قلمرو خود آراست نمود و تمام لوازم این لشکر را هم از ایشام و نهارولیس و اسلحه و غیره از خزانه خود داده و هر روزه آنها را بمرکات نظامی و اسب تازی و تیراندازی و ادارت نموده است. چند مرتبه با اردوی دولت هسانی جنگیده همه جا فتح و ظفر صیب لشکر امیر گشته است. امیر با احتیاط اینکه میداد دولت هسانی در صدد انتقام پسر آید در بنگر سنگی جنوب شهر کنولی «سه دژ» روی کوه بلندی برای مرکز حکومت خود قلعه بسیار محکم بنا

## آزادی است بادیکنانوری

طهران جناب آقای نخست وزیر - رونوشت وزارت جنگ رونوشت وزارت کشور رونوشت وزارت دادگستری رونوشت ستاد ارتش رونوشت آقای صدق قاضی نماینده محترم کردستان رونوشت روزنامه محبوب کوهستان رونوشت اطلاعات. بعد از ریختن خون بیگانه میلیون نفوس جوانان رشید و سلحشور دول متفق جنگ اروپا خانه باغت و ظالمان بادیکنانوری محو و نابود گردیدند و آفتاب سعادت سراز افق برافراشت و جنگ پیدادگران فاشیت کوتاه گردید باز وطن عزیز ما از جنگال استادان فاشیت خلاص شده و موس رانی های خود را در مناطق مرکزی کردستان مسول و مجرا میدارند و بی غیر از اینکه دمکراسی و آزادی سراسر دنیا را متور ساخته دیگر مجال ظالمان فاشیت نمانده و رجعت بادیکنانوری غیر مقدور است باز در ایران وطن عزیز ما باجلیه و دامیس کاری مامورین اسبق فاشیت خود را بنقاط سرحدی کردستان رسانده مشغول ازین بردن نژاد باک ایرانی (اکراد) میباشد که تاریخ عالم ثابت کرده وطن پرستی و شجاعت و شجاعت و شاه پرستی و مردانگی خاص این ملت است.

از جمله آقای سرتیب هوشمند برای ترفیع درجه و مقام دست برداشته از نوشتن جنگ را در سرحدات مرزبان و اورا بان برافروخته خون جوانان مظلوم ایرانی را مریزید هلیله ملت آرد تنبیر دادن محل ماموریت شخصی نامبرده و جاب او را پای کبفر از دولت تقاضا دارند که بدل توجه فرموده بنیاد و بنه بادیکنانوری را کده و از مرز دوراندازند و اولیای دولت بیشتر از این بیهادگری نامبرده را ورنه داشته و بیخ و بنیاد آرا بکنند که ملت بیچاره آرد خلاصی و راهی باید.

نامه فوق که با مضامین از جنبل و چند نفر از بازار کلان مالکین و روشنفکران مهاباد میباشد باید مورد توجه دولت و اولیای مسئول قرار گیرد.

و تامین طریق و هوار و نظم سرحدات شروع بجمع آوری لشکر نموده برای لشکر کشی خضر یک دوم چش که در بالاد کرده بنگاه دولت هسانی لشکر کشیده پس از دو سال زحمت و تمام مشنگان از دست داده خضر یک رابا یک سلسله اختراعات تاریخی استرداد نموده و سرحد هرمی کردستان را بار دیگر بحدود زمان الیاس یک توسعه داده است و برای آنها ضابطه معین کرده قسمتی از لشکر خود را بنوان ساعلو در قلعه رواندل گذاشته که بحفظ انتظام و نگاهداری مرز بپردازند.

مدت (۳۸) سال با رشادت و نیرومندی و حسن سیاست کشور خود را اداره نموده و کسی نتوانست باره اول طبع و آزد کند. سپس در اواسط قرن نهم هجری یعنی ۹۰۰ تا ۹۰۰ تمام امور و ای سرحدات و ضابط و ولایات را بدربار کشور خود احضار و کشور خود را درین سه نر فرزند خود بترتیب زیر تقسیم نموده است.

« سهم بگه یک » - سر برز نش - زن - گلنبر - شیران هوار - اورامان - نوسود.

« سهم سرخاب یک » - نواحی هشتی - مرزبان - توره - لشکاش - بانگان - کلاش (یعنی جوانرود کنونی) - سه دژ - قلمرو علی شکر - مهربان.

« سهم معده یک » - سرچک - قره داغ - شاربازیر - آلان اریل - گوی - حریر - هاده - رواندل -

پس از تقسیم کشور فرزندانش را بوحسد و اخلاق تومیه نموده و خود گوشه گیری اختیار کرده است پس از یکسال دعوت حردالییک گت. پسران هر یک در سهم خود بامارت مشغول شده اند و در برادر کهنر نهایت توقیر و احترام را نسبت برادر بتر خود « بگه یک » رعایت مینمودند و مدت (۴۲) سال بگه یک بامارت و سرپرستی برادران پسر برده و در سال « ۹۴۶ » هجری بدار چارید خرابیده است.

نهاده و نری قلعه برای رفع حوائج بازار و دکان ساخته و چاه آب کنده و در دامنه هسانی قلعه نیز آبادی بنام خود برپا ساخته که حلاهم آن آبادی به « حسن آبادی » معروف است ۳۸ سال بسا سکال قدرت حکومت سکرده و در ربیع الاول « ۷۸۴ » جهان فانی را بدوود گفته است

«حکومت بابلیک اردلان»  
از فوت امیر حسن پسرش بابلیک در سال « ۱۷۸۴ » هجری برمنه امارت گشته این امیر زاده شخص خود سرونه و دوست باز بوده. شقی بطرفی هم بجز نری و ظلم داشته است. در مقابل یک خطای کوچک امر بکشتن و سر بریدن و شمشیر زده است. باین جهت لشکری و کشوری از او دهراس بودماند و چند مرتبه رعایا را بر او شوریده اند. ابراهیم یک وزیر که شخص عاقل و با تجربه دنیا دیده بود منسوب به امیر هلاوه بر مقام وزارت ست لله گمی داشته است هر مرتبه شورشیان اسکت و قائله را خاموش ساخته است. پس از ۴۴ سال حکومت در گذشته است.

## «حکومت مندریک اردلان»

پس از فوت بابلیک پسرش مندریک در سال (۸۷۸) هجری مندریک امارت را زبنت داده بجای پدر بداره کشور برداشته است. و کسورات پدر را تالی نموده و پاس و دل سردهای جامه رامبدل بامید و دلگرمی ساخته است روسا و سرحد نشینان با تحف و هدایا بر پاسانش فرود آورده و هوم رعایا و براب از صمیم قلب بانثال او امرش گمر به اندر خط و سواد هم مابه افتخار و در براندازی و سواری سرآمد روزگار بوده است. پس از ۳۴ سال امارت و حکمرانی بپتری شده مامون یک پسر بزرگش را که مقهور به (مامونیک) بوده و لیمیدو جانین خود معرفی نموده در سال (۸۶۲) هجری متوفی گشته است.

## «حکومت مامونیک اردلان»

پس از فوت مندریک مامونیک ولیمیدش بر حسب وصیت و معرفی پدر در سال (۸۶۲) هجری برمنه امارت کردستان استرار یافته این امیر روشن ضمیر پس از یک سنه اقدامات لازمه در آبادی کشور

### باید بکرمانشاه توجه داشت

بقیه از صفحه ۳

مصودی دهقان ملا نرخ منصورى عزبزرشبهى دهقان سربكوه منصورى قاسم نيازي دهقان چوپانكاره نامدار ابراهيم بوراهان ظلوپيان خانابا نيازي چوپانكاره محمد رشيد پور طابيه حسين رشيد پور طابيه رشيد اسد بيك احمدى قلعه شان خسرو خدوى قلعه ميان عباسلى اكبرى قلعه شان ابراهيم اكبرى دهقان معروفى يك امير نظرى دهقان ميرعزيزى شان عبدالله تيسورى زر كوشى درويش تيسورى زر كوش سبر على غلامى دهقان كوشو له چله خسرو غلامى كولسوندى غلامى كولسوندى كركين غلامى كولونه بداله كسانى پير كه هاشما، حليرضا وندى رئيس حليرضا وندى حسن سهامى حليرضا وندى رئيس حليرضا حسن سهامى درويش غلامى كولونه پيرعلى غلامى كولسونده اسدشيرزادى دهقان طابيه شيركه معصوم كسانى پيركه كرم شيرزادى شر كه هريزاه شيرزادى شر كه حسين شيرزادى شير كه جهانبخش شيرزادى شر كه حليجان شيرزادى شر كه آقاملردى دهقان مومنى صلهرادى مومنى على بيك كولسونده الهى معصودى دهقان كه جوب ابراهيم نيزاده رئيس سيان سيامه مهرعلى بيكزاد سياميه سروان بيكزاده سياميه بندر بيكزاد «سياميه» شيرزاد بيكزاده سياميه اسد بيكزاده سياميه گيزاد بيكزاده سياميه حسن داراى دارا بيكى بدافه كاظمى رئيس كاظم خانى اسميل عسكرى دهقان شهرستان شاه آباد خانابا مهرابى طابيه مهرابى معديار بيكرضاى دهقان بر كه على باشا معصودى دهقان طابيه صيدمعهد على اكبر صيدمعصودى طابيه صيدمعصودى خانابا تقي پور برف آباد شيرزاد كيانى سر كه دلى باشا كيانى پير كه حسين كيانى دهقان پير كه على اكبر كيانى پير كه هكرتجويدان دهقان طابيه صيدان آقا زى شهبازى دهقان گلبن احمد داراى دارايى الهى كاظمى كاظم خانى قياد گودرزى طابيه رشيد حيدر گودرزى طابيه رشيد پور طابيه رشيد اسد رشيد پور طابيه رشيد صيدبان رخاصيدبان على اكبر صيدبان الپاس صيدبان محدريم صيدان حليجان معبرى كيلان حسن معبرى كيلان حسين معبرى كيلان.

### آگهی

بتاریخ ۱۳۲۴ر ۲۰ در خصوص شکایت آقای سراج روحانی بولایت از آقای ارباب ذکر یا بطرفیت آقای حسن مشارالیک ومیرزا ابراهیم بخواست رسید لی نوری ومطالبه هزارد پا عد متر از اراضی دهشاه برای جلو بردن پیشکاران باغ نوبادوش ده هزار ریال و صدور دستور موقت و جبران خسارات وارد بشرح درخواست شماره ۳۶۹ر ۲۴ بیستنه دونوشت تامین دلیل ورونوشت نامه اداره اوقاف بدین توضیح که رشته نقات باغ نوملکی موکل در اراضی وجهه بادوقدهشاه امتداد دارد که آخرین چاه منتهی باراضی دهشاه شده است و چون آب تانت نامبرده کسر نموده بصورتیکه از جز ارتفاع افتاده و احتیاج میرمی به بیش رفتن پیشکارنات پیدا شده و موکل حاضر است طق قانون قنوت زمین مورد احتیاج خودراکو خواهد خریداری خواندگان حاضر برای انجام عمل تا برده نیسته و چون اقسامتگاه آقای حسن مشارالیک را غیر معلوم معرفی نموده و تقاضا نموده طبق ماده ۱۰۰ قانون آیین دادرسی مدنی خوانده نام برده بوسیله آگهی دعوت شود لذا مراتب بدینوسیله آگهی میشود که خوانده ازحق قانونی خوداستفاده نماید وبالانتفاه مدت مهتم وصول پاسخ اقدام منتهی خواهدشد وچنانچه بعدا انگطاری لازم شود بکثوبت ومدت آن دهرور است.

مدیر دادرشبه ۳ پیش تهران - حسن حائری

### اثر طبع حیران

شوخی که له گلزار وه قصدی چمی کرد  
گیانو سر و مالم بفدای هر قدمی کرد  
بدوی رخی تابانی شکستی قمری کرد  
شمشادای قدی ماهی هلال زر کمری کرد  
محرم بو شمال کشفی یخه نیلو فری کرد  
بوی لیمو و نارنج و گلی باسنی کرد  
جاکوته دره و جوتی ترنج و جندی کرد  
پنجه کی عنابی له سری ناله خومی کرد  
او شوخه بشوخی هوس قنلی منی کرد  
بو گردنه کم زلفی بهلقه کمئی کرد  
ابرو و کوشمشیری مطلا که کچی کرد  
هرضربه نیکی زرقی سرم زوسیری کرد  
دو ارگسی شهلا بعصب و انظری کرد  
سو فاری مژه ناله دمی قوس و خمی کرد  
یشانی جگر بوله دلم دیوه دری کرد  
قربانی مژه ودست و کمانی خطنی کرد  
سالم بو کبد آوری دل شعله وری کرد  
سودله غماتبیری خطا زور پگری کرد  
نالغ دل و سوزی جگری من اثری کرد  
خنده یکی بنواز وله لبی گلشگری کرد  
باتی صله (حیران) طبعی ماچی دمی کرد  
بوچ آری له پیری بنو شکر شکنی کرد

### لگراف از میان دو آب

وزارت جابله پیشه و هنر رونوشت نامه گرامی کوهستان از مساعدتهای آقای مهندس کوشش رئیس کارخانه میان دو آب و کارکنان آن منصوصا آقای وحالی حسابدار کارخانه مزبور نسبت به گشت کاران چندند که یگانه محصول زراعتی این سامان است چون بکلی وسایل تشویق و تسهیل کارآنان را از هر جهت فراهم مینماید بدینوسیله اظهار تشکر و رضایت را مینمایم بدین است هرند در دولت علیه در انتخاب و اعزام مامور وظیفه شناس به منطقه کردستان بیشتر توجه فرماید امیدواری ملت زیادتز و بکلی اسباب ترمیم اوضاع خواهد شد و چون عد از آقایان چندند کاران ناحیه از بنده درخواست نموده اند که شرحی رادراین خصوص برش مقامات مربوطه عالی برسانم.

۱- از آن وزارت جلیله تقاضا نموده است که بانظر مرحمت آنها را بادامه اینگونه مراسم اخلاقی و رفتار ترغیب فرموده و از آقای مدیر محترم کوهستان هم که زبان حق کوفتو ناشر انگارهامه منصوصا مملت کرد است درخواست مینمائیم که این مروضه وایام اظهار سخایق در آن نامه رسمی ملی درج فرماید بلصحه سایر مامورین دولت از آنها سرمشق گرفته و بیشتر در انجام وظیفه قانونی خود سعی نمایند از طرف هیئت چندند کاران دهستان شهر ویران مهاباد جعفر عسکری



# کوهستان

بلم آقای محمد کاظم و کبیل کردستانی

## «صالح و طالح»

جناب آقای مدیر محترم روزنامه باشاها کوهستان. با عرض تشکر از درج مقاله بنده و امتنان از حسن ظن جنابعالی در انتشار اینک نمیتوانم مراتب وجد و شرف خود را از مندرجات شماره گذشته آن نامه گرامی که بناگاه افق تیره قضاوت عمومی را روشن نمود بقلب عبارت در آورم مبارزه دلیرانه جنابعالی را که بنظور مدافعه از یکدمه افراد بیچاره که حق حیات و همه چیز آنهاست. خوش اغراض بلید گروهی از خدا بیخبر قرار گرفته است و جدا ناسمجید و تحسین مینمایم.

جناب آقای مدیر محترم بنده از حقیقت اوضاع شاید تا اندازه ای اطلاع دارم و میدانم که بر اثر نبودن فرهنگ و نبودن تعلیم و تربیت صحیح، که مسئول آن زمامداران دوره بیست و سه ساله میباشند.

هم اکنون مفاداری از املاک موروثی جنابعالی و اقوامتان بر اثر وجود این اشخاص و ساده لوحی آنها بکلی از حیطه اندیشه و دسترستان خارج است و از دریافت بهره مالکانه آن محروم هستید پس شایان بسی توجه است که تحصیل این غسارتهای مادی را توسط و متافع ملی و مصالح ملکیتی و پشتیبانی و دفاع از حقوق طبیعی افرادی را که همه چیز خود را از دست داده اند بر سرود آبی یا بهتر بگویم بر حق مسلم خودتان که بملت عکس العمل شدیدی که در مقابل تعدیات و داوریهایی غیر عادلانه دوره بیست ساله بظهور رسیده فعلا پایمال شده است بر تری و رجحان داده اید.

این حقیقت را همه کردستانها میدانند و اینچاست که هر شخص متصفی عظمت اخلاقی جنابعالی و آن ناپندم معسومی را که مستثنی از توصیف است و از طرف ایشان «خنی در مجلس بفرمانده لشکر کردستان توهین» شد تا او دیگر نتواند اقدامی برای رفع اختلاف بعمل آورد» نمیتواند نادیده بگیرد.

آری کسانی که از این قضایا کم و بیش اطلاع دارند هنگامی که با باطلی را میخوانند که در جرایدی که بیست سال امتحان سادقت آن خود را داده اند بتوان مصاحبه با اشخاصی که تضابل اوصاف آنان را باززد خاص و عام است منتشر شده بی اختیار بریش گویند و نوبسته میکنند، همچنین توضیحات مجدد آنها را که بدست و باززدن غربتی که آخرین تلاش خود را بنساید بی شباهت نیست بسا کمال مسرت مینگرند.

بلی ایشان در دریای خشم عمومی ملت ایران که بر علیه قلدربهای آنها طغیان نموده است در حال دست و پا زدن و محکوم بنام هستند و معدوم دیگر ساحل قلدری را بچشم نتوانند دید و اکنون دیگر روزی است که ملت هشیار ایران و بویژه روشنفکران را با صدور ابلاغیه و اغلابه و با ایراد توضیحات نبشود گولزد و آنان را با پرورنده سازی و حقه بازی نمیتوان از میدان بدر کرد و بالاخره باقیانندگان حکومت خود مغفاری و جلادان بیرحم آزادی موقوف نتوانند شد که با این تیشات ناجوانمردانه مومیت متزلزل خویش را تیشیت نمایند چه خود ملت صالح و طالح را خوب تشخیص داده و میدهد.

محل اداره: خیابان پهلوی

روبروی کوچه مریمضاحه وزیری تلفن ۸۵۴۹

ارطبع آقای غلیل صبری

## در برابر قصیده غرای آقای هشیار

منتشر گردید از نود و جهان آوری صلح بعد از این گردد دگر نیای مادیای صلح چهره آزادی از انکندن دیبای صلح بر دمید از غرب خود شید جهان آوری صلح زد زوری جهل سنگ جنک بر مینای صلح با کمال خواری و بیچارگی زدوای صلح هست اکنون از بونی هر زمان جوای صلح قلهای محکم که بگذارند بر آبیای صلح تا از این پس جنک بنیاد نکن تکرید جای صلح رهسار حکمت مدقند در بیدای صلح تا که بنوشند منشور سمدت زای صلح جامه ای زینده آرایند بر بالای صلح دانکه بود جز ساری حافظ امضای صلح تا که در طی زمان روشن شود منتهای صلح بیشتر سرور باشیم از سرتهای صلح در سرماجای نگرته است بر سودای صلح بو که درد خود و اسازیم در اتلی صلح تا نگرده خواب ما سنگینتر از لای صلح در هزاران ریغ خوبو بدیم بارویای صلح بهر دور بودن زایروی روان افزای صلح بست جز آمواسف مصول مافردای صلح می نضند بر رخ ما شامد زیبای صلح و دره سودی کی دهد مان بودن از اعضای صلح

شکره بر طرف شد پرده زسبای صلح بیش از این گر بود اقطار جهان میدان جنک راستی و خشنده تر گردید و روح انکیز تر تا طریق توبه بنساید باهل شرق دور دشمن ضرور کو بود از حقایق بیخبر عاقبت چون تار بود قدرش از هم کسبیت وانکه بود از خود برستی دامن او خواهان جنک پیشوایان سه کشور ساختند از هم نوش هست مردان بنا کرده است سدی استوار هیچ شکی نیست اکنون توده های متفق این دلیران صیبا کردند و خونپاریختند هست امید آنکه مردان علمدار جهان سوی شرق و غرب عالم با تملوی بنگرند پایه هر کار بگذارند بر میزان عدل جای آن دارد که ما ایرانیان از دیگران زانکه از ادوار پیشین با وجود اقتدار ما که طرفی بر بستیم از کشتای جنک ای عزیزان وقت بیداری است بر غیز بدهان پیش از این بودیم اگر در بستر غفلت به خواب بعد از این باید قدم در کار و کوشش داشتن گرفتار باشیم امروز ای برادر تخم کار تا که نسایم خود را لایق این دوهت یابد از اعضای صلح آموختن رسم حیات

بود صبری مدتی خاموش در دوران جنک از نه ای صلح شادان شد و شد گویای صلح

## آقای سر لشکر جهانیانی

سر لشکر در این باره هم تعینات کالی خواهند نمود. آقای سر لشکر جهانیانی ما در اینجا جزء کوچکی از مسائلی را که مایه بدبختی مردم کردستان است ذکر نمودیم منتظریم ببینیم در این ماموریت شما چه خواهید کرد.

تمام اظهارات ما با مدارک قوی و قاطع است ولی امیدواریم احتیاجی نبیند باینکه ما آنها را در صفحات روزنامه منعکس کنیم زیرا اینطور شهرت دارد که جنابعالی از طرف شخص اعلیحضرت شاهپوی ماموریت فعلی را دارید. ما انتظار داریم همانطور که اعلیحضرت بوجه و هذله مفصوسی به کردستان داده شاهم در این ماموریت وظیفه یک افسر شرافتمند ایرانی را انجام داده خوش بامد سر لند مراجعت کنید و نام خود را با نشاندار و آبرو در کردستان بانی بگذارید.

همانطور که بارها تذکر داده ایم از شما جز تحقیق و قضاوت شرافتمندانه چیزی نمیتوانیم ما تضامنی خارج از مقررات قانون از هیچکس و هیچ مرجعی نداریم و حاضریم نسبتیم از حقوق حق خود صرف نظر نمایم امیدواریم شما هم غیر از این نظری نداشته باشید.

بقیه از صفحه ۱  
شهر سنج وجود آورده است صحیح است یا غیر ایشان باید متشاه تشکیل این حزب را هم تحقیق کنند  
آقای سر لشکر جهانیانی باید از زندان لشکر هم باز دیدی نموده وضع زندانیان را شعاعا ببینند و سوال نمایند اینها را چرا ماموریت بلا تکلیف گذارده اند دادگاه زمان جنک لشکر هم باید مورد نظریا بشود معلوم شود پرونده های که برای مردم تشکیل داده اند چه جرایمی دارد چه کسانی ماموریت دارند باین پرونده ها رسیدگی کنند آیا این اشخاصی سواد و صلاحیت چنین شغلی را دارند؟

آقای سر لشکر جهانیانی باید رسیدگی و قضاوت نماید جمع آوری اسلحه های مجاز مالکین شهری به صلاح مملکت و منطقه کردستان بوده یا تصدا و دهی لجاجت این اقدام بسمل آمده.

آقای سر لشکر جهانیانی باید نظریه خود را صریحا به ستاد ارتش بدهند که مسئول اموال از دست رفته مردم و خون بیگناهی که در نتیجه جمع آوری اسلحه مجاز مالکین ریخته شده کیست.

ما از خانه مرموزی که در سنج است و در آنجا پولهاست میشود از دلایل آن اسی نسیریم زیرا قاطعا خود آقای